

عضو اندیشکده تدبیر آب در گفت‌وگو با «پیام» عنوان کرد

# هشدار

## طبقاتی شدن آب

۵

### بحران کم‌آبی

### آزمون جدید دولت

وزیر نیرو: بابت افت فشار آب از مردم عذرخواهی می‌کنم

۲

### رؤیای فلرینگ صفر

با معرفی مشعل سوزی در نقش یکی از منشاهای اصلی آلودگی هوای خوزستان، هشدارها درباره افزایش نگران‌کننده فلرسوزی افزایش یافته است.

۶



حریم نماد پایتخت مخدوش شد

## آزادی برای «آزادی»

چندین سال پیاپی است که چند روز مانده به اربعین حسینی، نه‌فقط میدان آزادی و حریم درجه سه برج، بلکه عرصه و حریم درجه یک این اثر تاریخی، میزبان سازه‌های موقتی می‌شود و حریم بصری برج مخدوش می‌شود. اما مشکل اساسی این است که برگزاری مراسم دورتادور برج، آن هم با صدای بالای بلندگوها به‌مرور به سازه اصلی اثر آسیب وارد می‌کند.

۲

اطلاع‌رسانی |

## حراست؛ بازوی توانای

### مجتمع مس سرچشمه رفسنجان

مدیر امور حراست مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، در گرامیداشت روز حراست، به تشریح بخشی از فعالیت‌های این حوزه پرداخت و اقدامات پیشگیرانه صورت‌گرفته در دوران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه را بیان کرد. به گزارش روابط عمومی مجتمع مس سرچشمه رفسنجان، مهندس روح‌الله عباس‌زاده اظهار داشت: «حراست، مشاوری امین برای مدیر مجتمع، حافظ اموال و سرمایه‌های موجود و گوش شنوایی برای پرسنل است.» وی افزود: «با توجه به وجود اسناد و مدارک، اموال، دارایی‌ها، ترانکس‌های مالی و از همه مهم‌تر سرمایه انسانی در هر مجموعه، حفظ و صیانت از کلیه اموال و دارایی‌ها مستلزم حضور حراست است.»

مدیر امور حراست مجتمع مس سرچشمه رفسنجان عملکرد یک‌ساله این واحد اشاره و بیان کرد: «در یک سال گذشته، با توکل به خداوند متعال و همراهی کلیه پرسنل حراست و انتظامات، به ویژه حمایت مدیر محترم مجتمع که جا دارد از اقدامات پدافندی و آمادباش صددرصدی ایشان تشکر کنم، اقدامات مؤثری در جهت سالم‌سازی محیط صورت گرفته است.»

عباس‌زاده تصریح کرد: «انجام بیش از ۱۰۰ مورد پاسخ به استعلامات، پوشش کامل مجتمع با دوربین‌های مدار بسته، کنترل و کاهش چشمگیر سرقت‌های خرد، ایجاد پست‌های جدید، خرید تجهیزات به‌روز و پیشرفته، توسعه نرم‌افزارهای کاربردی، پیگیری و وصول مطالبات کارگران در حد توان و تسویه مطالبات معوق شرکت‌های پیمانکاری از جمله اقدامات مهم امور حراست بوده است.»

وی ادامه داد: «علاوه بر این، اقدامات امنیتی و حفاظتی مؤثر دیگری نیز در سطح مجتمع انجام شده که ان‌شاءالله در فرصتی مناسب به اطلاع خواهد رسید.»

مدیر حراست مجتمع مس سرچشمه رفسنجان در بخشی دیگر از سخنان خود با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران، گفت: «در آن دوران، به لطف خداوند متعال، اقدامات پدافندی و آمادباش صددرصدی



رئیس انجمن راهنمایان گردشگری:

### بیکاری دست‌کم

### ۵ هزار نفر و ۲۰۰ میلیارد

### تومان خسارت ماهانه

۴

نقدی بر سیاست‌های حفاظت مشارکتی سازمان‌های دولتی

### مشارکت حق مردم

### است، نه امتیاز

۳

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی نقش مدارس در فقرزدایی را بررسی کرده است

### آموزش، سرمایه‌ای

### برای عبور از فقر

۸

تأثیر جنگ و اخراج افغانستانی‌ها بر صنایع دستی ایران

### سوزن‌دوزی

### قربانی سیاست

۴

یادداشت |

### صورت انسانی اخراج‌ها

### پس از ۱۲ روز

### سرنوشت‌ساز



صادق سپیندازند |

مدرس دانشگاه |

۱

یادداشت |

## صورت انسانی اخراج‌ها

### پس از ۱۲ روز سرنوشت‌ساز



صادق سپیندازند |

مدرس دانشگاه |

می‌شود حدود ۵۰۰ نفر یعنی نزدیک به ۴۵ درصد کل کارکنان یکباره از این شرکت جدا شدند. همین وضعیت را در شرکت‌هایی مثل کارنامه یا حتی در مطبوعات و رسانه‌های کشور هم می‌بینیم؛ خبرنگاران زیادی بعد از آتش‌سوزی بدون توضیح قانع‌کننده‌ای شغلشان را از دست دادند.

چه شد که چنین شد؟ آیا چاره‌ای نبود؟ اگر صادق باشیم، باید گفت برخی از این تعدیلات ناشی از تصمیمات پیشین مدیران در حوزه ریسک‌پذیری و سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی بود که تاب‌آوری کمتری داشتند. مثلاً سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بورس، املاک یا طرح‌هایی که نقدشوندگی پایین داشت، حالا شرکت را در روز مبادا بی‌پناه گذاشت. اما بخشی هم اجتناب‌ناپذیر بود: شرکتی که درآمدش طی چند روز به یک‌چهارم برسد، مگر چند ماه می‌تواند حقوق کامل بدهد؟

در همین حال، نمی‌توان چشم بر رفتارهایی بست که کمتر عادلانه به‌نظر می‌رسد. اخراج ناگهانی بدون گفت‌وگو، بدون تلاش جدی برای جابه‌جایی شغلی یا حتی با وعده بازگشت مشروط و حقوق پایین‌تر، همه و همه سوالات جدی درباره انصاف و شأن سرمایه انسانی یک شرکت ایجاد می‌کند.

در ادبیات مدیریت منابع انسانی گفته می‌شود اگر تعدیل نیرو بین ۵ تا ۱۰ درصد باشد، می‌توان آن را نوعی بازآرایی برای بهبود کارایی دانست. اما وقتی یک شرکت، ناگهان ۴۰ یا حتی ۶۰ درصد نیروهایش را کاهش می‌دهد، این فقط یک عدد یا تصمیم نیست؛ نشانه‌ای یک شوک عمیق و ناتوانی در تحمل بحران است.

از زاویه استراتژی، هر بنگاهی -به‌ویژه شرکت‌های نوپای ایرانی- معمولاً منابع محدودی دارد و هر بحران، مثل جنگ یا بی‌ثباتی سیاسی، مثل آتش بر تبار کاه نقدینگی آنها می‌افتد. بخش بزرگی از این شرکت‌های نوپا، رشد سریع یا جذب سرمایه بیرونی شرط بسته بودند و جنگ دوازده‌روزه ناگهان همه قواعد بازی را بهم ریخت: درآمد‌ها یک‌شبه پایین آمد، ارتباطات بین‌المللی مختل شد و بسیاری از مشتریان بلاتکلیف ماندند.

در چنین فضایی، ترس از آینده ناامن باعث شد مدیران فوراً سراغ کوتاه‌ترین و شاید تنها راه ممکن برای بقای سازمان بروند: کم‌کردن نیرو. این تصمیم، هرچند تلخ، اغلب با این منطق دفاع می‌شود که اگر سازمان بماند، شاید بعداً امکان بازبازی و استخدام دوباره فراهم شود. اما آیا واقعاً همیشه چنین است؟

نگاهی به روایت‌های واقعی استارت‌آپ‌های ایرانی نشان می‌دهد بعضی شرکت‌ها، مثل علی‌بابا، در این شوک بزرگ دست به تعدیلی گسترده زدند. گفته

از موارد اجتناب‌ناپذیر باشد. اما پرسش اینجاست که چگونه و با چه کیفیتی انجام می‌شود؟

مدیران بزرگ کسانی‌اند که حتی در روزهای سخت، با کارکنان خود شفاف و صادق‌اند. بجای پنهان‌کاری، دست‌کم دلایل بحران و محدودیت‌ها را توضیح می‌دهند. کارکنان را در مسیر راحل‌ها سهیم و هرچه‌قدر می‌توانند برای مهار آسیب‌های اقتصادی و روانی تلاش می‌کنند. شفافیت، همدلی و حتی یک تماس ساده برای خداحافظی انسانی می‌تواند تصویر مدیریت را نزد کارکنان برای همیشه متحول کند.

در فضای اجتماعی امروز ایران، اخراج‌های گسترده به‌معنای واقعی کلمه می‌تواند سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی یک شرکت را تبخیر کند. شفافیت، همدلی و بی‌اعتمادی ایجاد کرده است. اینجاست که اخلاق حرفه‌ای از یک توصیه لوکس به یک الزام استراتژیک بدل می‌شود. اگر از من بپرسید، سازمان‌ها و مدیران ایرانی حالا بیش از هر زمانی باید به مدل‌های تاب‌آوری بومی، مدیریت مشارکتی و نگاه انسانی به نیروی کار رو بیاورند. می‌دانم فشار بحران بی‌سابقه است؛ اما حرکت کور و سریع به‌سمت تعدیلات انبوه، آینده شرکت‌ها را نابود می‌کند. شاید لازم باشد پیش از هر تعدیل، همه گزینه‌های دیگر را واقعاً بررسی کنیم؛ کاهش ساعات کاری، پروژه‌های جانبی، مذاکره با سپاه‌مداران، یا حتی کمک‌گرفتن از جامعه حرفه‌ای برای خلق راحل‌های خلاقانه.

در پایان این مسیر، چیزی که می‌ماند تصویر سازمان و مدیر در ذهن سرمایه انسانی است. آیا کارکنان حس می‌کنند بخشی از خانواده شرکت بودند و تا لحظه آخر ارزشمند بوده‌اند؟ یا تنها به چشم اعداد در صورت‌های مالی دیده شده‌اند؟ آینده کسب‌وکارهای ایرانی وابسته به این پاسخ است.

آنچه فردا درباره این دوران می‌نویسند، فقط به آمار اخراج‌ها مربوط نیست؛ بلکه به نوع مواجهه مدیران با کارمندان، شفافیت، انصاف و همدلی آنها در روزهای سخت‌گیرانه خورده است. اینجاست که تاریخ قضاوت می‌کند: چه کسی سازمانش را صرفاً از بحران عبور داد و چه کسی سرمایه انسانی‌اش را با خود به آینده برد؟ باید به سرمایه انسانی نه‌فقط به‌عنوان هزینه، بلکه به‌عنوان موتور آینده و شریک اصلی موفقیت احترام گذاشت.

بحران‌ها می‌آیند و می‌روند، اما مسئولیت مدیران و تصمیم‌گیران همیشه باقی می‌ماند. بحران دوازده‌روزه و تعدیلات پس‌از آن، یک آزمایش بزرگ برای بلوغ حرفه‌ای و اخلاقی اکوسیستم فناوری ایران بود و هنوز هم است. باید یاد بگیریم که حتی در سخت‌ترین روزها، می‌شود و باید به سرمایه انسانی نه‌فقط به‌عنوان هزینه، بلکه به‌عنوان موتور آینده و شریک اصلی موفقیت احترام گذاشت.

یکی از مهمترین بحث‌ها درباره برج آزادی، انتخاب آن به‌عنوان نماد تهران قدیم بوده، نمادی که به‌دلیل قرارگیری‌اش در یکی از شاهراه‌های پایتخت، آن را متمایز از دیگر آثار تاریخی تهران کرده است. اما چندین سال بیابای است که چند روز مانده به اربعین حسینی، نه‌فقط میدان آزادی و حریم درجه سه برج، بلکه عرصه و حریم درجه یک این اثر تاریخی، میزبان سازه‌های موقتی می‌شود و حریم بصری برج مخدوش می‌شود. اما مشکل اساسی این است که برگزاری مراسم دورتادور برج، آن‌هم با صدای بالای بلندگوها به‌مرور به سازه اصلی اثر آسیب وارد می‌کند. به‌گفته کارشناسان برنامه‌های برگزارشده در این نقطه از میدان، آسیب‌های جدی به برج آزادی وارد کرده است.



| سمیه ایمانیان |

| روزنامه‌نگار |

به‌گفته کارشناسان میراثی و شهری، برگزاری رویداد آیینی «محرم شهر» در میدان آزادی می‌توانست در هر نقطه‌ای از این میدان اجرایی شود، حتی در حریم درجه ۲ برج در میانه میدان. اینکه در حریم درجه یک این اثر معاصر تاریخی قرار می‌گیرد و جداره‌های برج، ستون نمایشگاه می‌شوند و عرصه و حریم این اثر منحصربه‌فرد تاریخی را مخدوش می‌کنند، نشان از کم‌توجهی متولیان میراثی و شهری به وضعیت این بنای تاریخی دارد. آن‌هم در شرایطی که هر دو فضا یعنی اثر تاریخی و رویداد آیینی «محرم شهر» می‌توانند در کنار هم و فقط قدری با فاصله از یکدیگر توجه علاقه‌مندانشان را به خود جلب کنند.

براساس اعلام شهردار منطقه ۹ تهران، ویژه برنامه «محرم شهر» شامل گذر بین الحرمین، سفینه‌نجات و نمایشگاه فروش محصولات فرهنگی است که اجراهای برنامه‌های آیینی ویژه ایام ماه محرم و صفر نیز در آن مدنظر است. همچنین، برپا کردن استیج و مواكب پذیرایی در میدان آزادی از دیگر اقداماتی است که در راستای اجرای هرچه بهتر «محرم شهر» در منطقه ۹ انجام می‌شود.

**🔗 هیچ اجازه‌ای برای انجام این برنامه از مدیریت برج گرفته نمی‌شود**

رئیس مجموعه برج آزادی در گفت‌وگو با خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «مجموعه فرهنگی و هنری آزادی زیرمجموعه بنیاد رودکی کارهای محوله در حوزه فرهنگی خود را انجام می‌دهد، اما برای انجام این کار از مدیریت برج هیچ اجازه‌ای گرفته نمی‌شود.»

سید محمد حسینی» تأکید می‌کند: «این پروژه را شهرداری تهران و شهرداری منطقه ۹ انجام می‌دهند، از سوی دیگر سازه ایجادشده موقتی است و شهرداری هیچ ساخت‌وساز دائمی در عرصه و حریم برج آزادی انجام نمی‌دهد. این سازه‌های موقت بعد از حدود ۱۲ روز جمع‌آوری می‌شوند.»

**🔗 هماهنگی‌ها با مسئولان میراث و برج آزادی انجام شده است**

«امیر قاسمی»، رئیس ستاد گردشگری شهرداری تهران، دراین‌باره به «پیام ما» توضیح می‌دهد: «در این مدت، در میدان آزادی «محرم شهر» برگزار می‌شود، موضوعی فرهنگی که اقدام مورد نیاز زائران کرپلا را برای اربعین در اختیار مردم قرار می‌دهد، حتی مشکلات گذرنامه‌ای مردم برای سفر به عراق را برطرف می‌کند.»

او با اشاره به برگزاری برنامه‌های مفصلی که در مدت زمان برگزاری «محرم شهر» در محدوده برج آزادی برگزار می‌شود، می‌گوید: «در طول شبانه‌روز، حدود هشت هزار نفر از مردم تهران برای دیدن برنامه‌ها و استفاده از خدمات به میدان آزادی می‌آیند، حتی مردم از شهرهای دیگر هم در این مدت به تهران می‌آیند و از این برنامه



میدانرا حسینیان

[۱۶]

حریم نماد پایتخت مخدوش شد

# آزادی برای «آزادی»

#### گزارش

ایمام ما| در شرایطی که تابستان سخت و کم‌آبی گسترده، زندگی میلیون‌ها ایرانی را تحت‌تأثیر قرار داده است، وزیر نیرو از مردم بابت کاهش فشار آب در برخی مناطق کشور عذرخواهی کرد و رئیس‌جمهور نیز خواستار تدوین راهکارهای علمی و پایدار برای حل بحران شد. هم‌زمان رئیس شورای شهر تهران از تشدید تنش آبی در پایتخت خبر داد و بر لزوم صرفه‌جویی عمومی تأکید کرد.

**🔗 عذرخواهی رسمی برای افت فشار**

«عباس علی‌آبادی»، وزیر نیرو، دیروز اعلام کرد کاهش فشار آب در برخی مناطق کشور «به‌ناچار و در جهت مدیریت منابع موجود» انجام شده است. او گفت: «چاره‌ای جز افت فشار آب نداریم؛ آب نیست و باید با این مسئله مقابله کنیم.»

براساس گزارش ایرنا، وزیر نیرو با اشاره به اقدام‌های فنی انجام‌شده برای کاهش تلفات ناشی از فرسودگی شبکه توزیع آب، اظهار داشت: «ما از مردم بابت افت فشار عذرخواهی می‌کنیم. این تصمیم سخت، برای حفظ تعادل در شبکه بوده و امیدواریم با همراهی مردم، شرایط کنترل شود.»

او همچنین به لزوم ارتباط شفاف شرکت‌های آب منطقه‌ای با مردم اشاره کرد و گفت: «توصیه من این است که شرکت‌های آب‌منطقه‌ای از طریق شمارخلفن‌های در دسترس، به‌صورت بی‌وقفه پاسخگوی شهروندان باشند. ما آماده‌یم به مشترکان مشورت بدهیم و برای مصرف بهتر کمک کنیم.»

**🔗 جریمه‌های سنگین برای برمصرف‌ها**

علی‌آبادی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با تأکید بر برخورد قانونی با مشترکان برمصرف، گفت: «براساس استاندارد مصرف فعلی، هر نفر باید روزانه حداکثر ۱۳۰ لیتر آب مصرف کند، اما برخی از مشترکان بیش از ۲۰۰ لیتر در روز مصرف دارند. این گروه شناسایی شده‌اند و با آنها برخورد قانونی خواهد شد.»

به‌گفته وزیر نیرو، نخستین مرحله از برخوردها شامل جریمه‌های مالی سنگین است و درصورت تداوم تخلف، قطع آب نیز در دستورکار قرار می‌گیرد. او این اقدام را ضرورتی در راستای دفاع از منابع و منافع ملی توصیف کرد و گفت: «همان‌طور که رئیس‌جمهور نیز

تأکید کرده، باید با افرادی که بی‌رحمانه منابع را مصرف می‌کنند، قطعانه برخورد شود.»

**🔗 پزشکیمان: بدون تغییر نگرش، بحران حل نمی‌شود**

هم‌زمان با اظهارات وزیر نیرو، نشست هم‌اندیشی دولت با دانشگاهیان برای یافتن راهکارهای مقابله با کم‌آبی در کشور نیز برگزار شد. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، در این جلسه بر ضرورت تدوین راهکارهای علمی، جامع و منطقه‌محور برای مقابله با چالش کم‌آبی تأکید کرد. او گفت: «شرط بنیادین توسعه پایدار، ایجاد تعادل میان منابع و مصارف آب است. عدم رعایت این اصل، منشأ بخش بزرگی از بحران‌های کنونی ما در حوزه آب است. ما باید با تغییر نگرش و اصلاح سیاست‌ها، به‌صورت ریشه‌ای و علمی با بحران مقابله کنیم.»

پزشکیان با اشاره به ناکارآمدی برخی اقدامات گذشته افزود: «باید به‌دقت بررسی کنیم که پروژه‌هایی که در سال‌های گذشته با صرف هزینه‌های کلان اجرا شده‌اند، چه میزان تأثیر واقعی در کاهش مصرف داشته‌اند. آیا این اقدامات توانسته‌اند ما را از مسیر ناپایدار فعلی دور کنند؟»

**🔗 دانشگاه‌ها، محور راه‌حل‌ها**

رئیس‌جمهور نقش دانشگاه‌ها در حل بحران را اساسی دانست و گفت: «دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم در جهان امروز، به‌جای صرفاً آموزش، بر حل مسائل جامعه تمرکز دارند. انتظار دارم دانشگاه‌های ما هم وارد میدان عمل شوند و راهکارهای عملی و راهگشا ارائه دهند.»

او خواستار تشکیل کارگروه‌های تخصصی مشترک میان دولت و دانشگاه با حضور همه دستگاه‌های مسئول شد و تأکید کرد: «چون مسئله کم‌آبی به همه حوزه‌های مدیریتی کشور گره خورده، راه‌حل‌ها نیز باید جامع و فرابخشی باشد.»

پزشکیان همچنین بر ضرورت تشکیل این کارگروه‌ها

در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها تأکید کرد و افزود: «هر منطقه اقلیم و جغرافیای خاص خود را دارد و نسخه‌های حل مسئله باید متناسب با شرایط محلی باشد، نه نسخه‌ای کلی و یکسان برای کل کشور.»

**🔗 رسانه و آموزش؛ دو ستون مقابله با بحران**

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود، نقش رسانه ملی، نظام آموزشی و مدارس را در فرهنگسازی و آگاه‌سازی عمومی حیاتی دانست و گفت: «برای همراه‌سازی مردم با سیاست‌های مصرف بهینه، باید درک عمومی از وضعیت بحرانی منابع آب افزایش یابد. رسانه ملی باید نقش خود را در این زمینه بدرستی ایفا کند.»

او افزود: «همچنین آموزش در مدارس باید به‌گونه‌ای

باشد که نسل آینده با مفاهیم حفاظت از منابع آشنا شود. این روند نباید یک پروژه مقطعی باشد، بلکه فرایندی مستمر و بلندمدت است.»

پزشکیان در پایان سخنانش پنج اصل کلیدی برای حل بحران کم‌آبی را معرفی کرد: مهندسی دقیق آب، خاک و کشت؛ آموزش مؤثر؛ سیاست‌های تشویقی؛ برخورد قانونی با متخلفان؛ و ارزیابی و نظارت مستمر

او گفت: «مردم باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنند تا

## دستور رئیس‌جمهور

با دستور رئیس‌جمهوری به وزرای «جهاد کشاورزی» و «کشور»، استانداران در سرتاسر کشور موظف شده‌اند، اصلاح و اجرای الگوی کشت سراسری را به‌عنوان اولویتی فوری و ضروری در دستورکار خود دهند. این اقدام با هدف ارتقای امنیت غذایی، حفاظت از منابع پایه و افزایش بهره‌وری مصرف آب در بخش کشاورزی، یکی از گام‌های راهبردی دولت برای مقابله با چالش‌های اقلیمی و ناترازی‌های تولید محسوب می‌شود.

براساس این دستور که از سوی «وزارت کشور» صادر شده استانداران موظف شده‌اند با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط، هماهنگی لازم برای اجرای الگوی کشت اصلاح‌شده را فراهم کنند و کارگروه استانی الگوی کشت را با حضور دستگاه‌های مسول در هر استان تشکیل دهند. این تصمیم مهم در شرایطی اتخاذ شده است که کشور با چالش‌های متعددی نظیر تغییراقلیم، بحران منابع آب و ناپایداری در زنجیره تولید و بازار محصولات کشاورزی مواجه است. در چنین وضعیتی، اصلاح الگوی کشت نه‌تنها یک ضرورت فنی، بلکه اقدامی ملی و راهبردی برای تأمین امنیت غذایی پایدار کشور است؛ موضوعی که در سطح عالی دولت به آن توجه جدی شده است.

اقدام اخیر وزارت کشور، نتیجه مطالعات راهبردی در «مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری» است. این مرکز با آسیب‌شناسی روند اجرای الگوی کشت در سه دهه گذشته در کشور و با بررسی ناترازی‌های موجود و خلأهای مدیریتی، بر لزوم ورود هماهنگ نهادهای فرابخشی به مسئله کشاورزی تأکید کرده و فعال‌سازی ظرفیت ملی برای اصلاح ساختاری نظام کشاورزی کشور را خواستار شده است

## بحران کم‌آبی؛ آزمون جدید دولت

### وزیر نیرو: بابت افت فشار آب از مردم عذرخواهی می‌کنم

افت فشار رخ ندهد. متأسفانه مشکل آبی در تهران در حال تشدید است و امیدواریم یکی از دو پروژه‌ای که در حال اجراست، تا پایان تابستان به نتیجه برسد و وضعیت بهتر شود.»
چمران افزود: «مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب تهران در تلاش است تا آب پایتخت را تأمین کند. اما همراهی مردم، تعیین‌کننده‌ترین عامل برای عبور از این مرحله حساس است.»

**🔗 تهران زیر سایه تشدید بحران**

در تهران نیز نگرانی‌ها درباره وضعیت آب افزایش یافته است. «مهدی چمران»، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، در جلسه روز یکشنبه شورای شهر، از تشدید تنش آبی در پایتخت خبر داد.

رئیس شورای شهر تهران همچنین از تلاش دولت برای بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده در جنگ اخیر سخن گفت و ابراز امیدواری کرد منابع کافی برای حل مشکلات شهری ازجمله بحران آب نیز تأمین شود.

**🔗 تشدید بحران در استان‌ها؛ از زاینده‌رود تا ولرمین**

درحالی‌که مقام‌های دولت از لزوم برنامه‌ریزی علمی و منطقه‌محور برای مدیریت بحران آب سخن می‌گویند، شاهد میدانی از وضعیت وخیم منابع آبی در برخی استان‌ها حکایت دارد. در ورامین، فرماندار این شهرستان با تأکید بر تنش آبی گسترده، ادارات را موظف کرده است مخازن ذخیره، پمپ آب و سامانه‌های مدیریت مصرف را نصب کنند. به‌گفته حسین عباسی»، علاوه‌بر آب، در حوزه انرژی نیز دستگاه‌های اجرایی باید حداقل ۲۰ درصد مصرف خود را از طریق انرژی خورشیدی تأمین کنند؛ اقدامی که اگرچه دیربهبه‌نگام اما ضروری است.

عباسی همچنین از برگزاری جلسات فرارگاه آب از بهمن‌ماه و اجرای برخی اقدامات پیشگیرانه خبر داده، اما تصریح کرده است که فرهنگسازی عمومی و همراهی مردم در مدیریت مصرف، نقش کلیدی دارد. این نخستین‌بار نیست که ورامین، به‌عنوان یکی از

مناطق پرجمعیت شرق استان تهران، با بحران آب مواجه می‌شود، اما آنچه این‌بار تفاوت دارد، تبدیل هشدارهای پرکننده به الزامات اجرایی برای دستگاه‌های دولتی است.

در اصفهان نیز وضعیت سد زاینده‌رود، یکی از مهمترین منابع تأمین آب کشور، بحرانی گزارش شده است. ذخیره این سد تا پایان تیرماه به ۳۱۳ میلیون مترمکعب رسیده؛ یعنی تنها ۲۵ درصد ظرفیت آب پُر است و ۷۵ درصد آن خالی مانده. براساس آمار شرکت آب‌منطقه‌ای، میزان ذخیره آب این سد نسبت به بلندمدت ۶۵ درصد کاهش داشته است. افزون‌براین، کاهش چشمگیر بارندگی‌ها در سرشاخه‌های زاینده‌رود نیز نگرانی‌ها را دوچندان کرده است. در ایستگاه چلگرد کوه‌رنگ، میزان بارندگی نسبت به میانگین بلندمدت، ۳۰ درصد افت داشته است؛ کاهشی که مستقیماً بر ورودی سد و تأمین آب آشامیدنی، کشاورزی و صنعت در مرکز کشور اثر می‌گذارد.

مجموع این تحولات، از شرق استان تهران تا قلب فلات مرکزی ایران، نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان با نگاه مقطعی یا اقدامات اضطراری به بحران آب پاسخ داد. اگر دولت قصد دارد به وعده‌اش برای مدیریت علمی و منطقه‌ای پایبند بماند، باید همین حالا طرح‌های شفاف، قابل‌اجرا و منطقه‌بندی‌شده را در دستورکار قرار دهد، پیش از آنکه کلیدهای مدیریت منابع آبی، زیر فشار واقعیت‌های اقلیمی و مصرف نادرست، از کار بیفتند.

بحران آب در ایران ترکیبی است از عوامل اقلیمی، زیرساختی و مدیریتی. از یک‌سو تغییراقلیم و کاهش بارندگی‌ها موجب کاهش منابع تجدیدپذیر شده و از سوی دیگر، بهره‌برداری‌های بی‌رویه، فرسودگی شبکه‌ها، نبود هوشمندسازی و ضعف هماهنگی میان دستگاه‌ها، بحران را تشدید کرده است. هم‌زمان، مصرف غیرمنطقی در بخش‌های خانگی، صنعتی و به‌ویژه کشاورزی – که بیش از ۸۵ درصد منابع آبی را می‌بلعد- نیز سهم قابل‌توجهی در شکل‌گیری وضعیت فعلی داشته است.

در چنین شرایطی، کارشناسان معتقدند اگر تغییر رویکرد اساسی در سیاستگذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فرهنگ عمومی صورت نگیرد، کم‌آبی در آینده‌ای نه‌چندان دور به بحرانی غیرقابل‌کنترل تبدیل می‌شود.

# مشارکت حق مردم است، نه امتیاز

**در بسیاری از مناطق، مردم هنوز در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جایی ندارند. آنها صرفاً ساکن منطقه به حساب می‌آیند، نه ذی نفع قوانین حفاظتی از بالا دیکته می‌شود**



امید سجادیان | عضو شورای هماهنگی شبکه تشکل‌های محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور |

در روزهایی که سرزمین ما با بحران‌های پیچیده و چندلایه‌ای چون جنگ، تغییر اقلیم، آتش‌سوزی جنگل‌ها، کاهش منابع آب و بی‌ثباتی‌های اجتماعی دست‌به‌گریبان است، نقش مردم بیش از هر زمان دیگری برجسته شده است. در جغرافیای ناپایدار و شکننده‌ای چون زاگرس، مردم نه یک عنصر فرعی، بلکه ستون اصلی امنیت سرزمینی‌اند. وقتی مشارکت و حس تعلق از جوامع محلی گرفته شود، هرچقدر هم سازوکارهای علمی و رسمی تقویت شود، نتیجه‌ای جز بی‌تفاوتی، تخریب و نهایتاً فروپاشی ساختارهای حفاظتی نخواهد داشت. یکی از کانون‌های اصلی مشارکت، بهره‌گیری از رویه «حفاظت مشارکتی» در حفاظت از محیط‌زیست است؛ الگویی که نه بر اساس دستور و نظارت از بالا، بلکه با اتکا به دانش محلی، تجربه زیسته و قدرت بسیج اجتماعی عمل می‌کند. تجربه‌های موفق حفاظت مشارکتی از جنگل‌ها، مراتع و منابع آبی در نقاط مختلف کشور نشان داده‌اند تنها زمانی که مردم در تصمیم‌گیری، پایش و اقدام نقش فعال داشته

باشند، می‌توان انتظار پایداری واقعی داشت. نادیده‌گرفتن مردم در فرایند برنامه‌ریزی و توسعه مناطق، همچون قطع کردن ریشه‌های درختی است که به پای نشسته است. سرزمینی که مردمش کنشگر نباشند، حتی با پیشرفته‌ترین تجهیزات هم، دیر یا زود، به مرز فرسایش و زوال می‌رسد.

**🔍 نادیده‌گرفتن مردم، نادیده‌گرفتن حفاظت است**

در بسیاری از مناطق، مردم هنوز در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها جایی ندارند. آنها صرفاً ساکن منطقه به حساب می‌آیند، نه ذی‌نفع. قوانین حفاظتی از بالا دیکته می‌شود. طرح‌ها، بدون شناخت معیشت، فرهنگ، روابط اجتماعی و اقتصاد محلی نوشته می‌شوند و مشارکت، تنها به چند نشست آموزشی و توزیع بروشور تقلیل یافته است. این درحالی‌است که مردم محلی، نه‌تنها ساکنان منطقه‌اند، بلکه ساکن حافظه تاریخی آن سرزمین نیز هستند. چگونه می‌توان انتظار داشت مردم با برنامه‌هایی همراهی کنند که آنها را نادیده گرفته، آن‌هم در وضعیتی که این

برنامه‌ها درباره منابعی است که با معیشت، امنیت و هویت این مردم گره خورده است؟

**📍 بحران منابع، کمبود نیرو و تناقض‌های ساختاری**

در بسیاری از مناطق حفاظت‌شده با کمبود شدید نیروی محیطیان مواجهیم. محیطیان‌های ما در مقایسه با استانداردهای جهانی، نه‌تنها از نظر تعداد، بلکه از نظر تجهیزات، آموزش و پشتیبانی نیز در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارند. سلاح‌های مجاز و غیرمجاز، معیشت شکننده، بهره‌برداری‌های ناپایدار و گاه بی‌اعتمادی مردم به دولت، زنجیره‌ای از تهدیدهای درهم‌تنیده را شکل داده است. زخمی‌شدن و شهادت محیطیان بخشی از این زنجیره است. قوانین بازدارنده نیست.

در چنین شرایطی نقش برنامه‌های مشارکتی بیش از هر زمان دیگری حیاتی است. اما آیا دفاتر مشارکت‌های مردمی در استان‌ها در جایگاه واقعی خود قرار دارند؟ متأسفانه در استان‌ها، بسیاری از این دفاتر به مجری برنامه‌های نمادین پاکسازی و زیستی و حتی اقتصاد منطقه‌شان درهم‌تنیده است،



## عید «مردگان» در مازندران



آرش حبیبی‌آزاد | برنده نگار |

«فریدون چو شد بر جهان کامکار / ندانست جز خویشتن شهریار / به رسم کیان تاج و تخت مہی / بیاراست با کاخ شاهنشاهی / دل از داوروی‌ها بپرداختند / به آیین یکی جشن نو ساختند / یفرمود تا آتش افروختند / همه عنبر و زعفران سوختند» (شاهنامه فردوسی / یادشاهی فریدون)

ضحاک ماردوش به دست فریدون پادشاه کیانی در دامنه دماوند به بند کشیده شد و مردم برای خبر دادن به سایر روستاها پوته‌ای را آتش زدند و چرخاندند و جشن گرفتند. هنوز هم مردم کوهپایه‌های مازندران به یاد آن روز جشن می‌گیرند. زمان برگزاری این جشن مطابق تقویم طبری در بیست و شش نوزما (بیست‌وششم ماه نوزوز) یا معادل بیست‌وششم تیرماه شمسی است.

ضحاک جوانان بسیاری را کشت و عمال حاکم ستمگر اجازه نمی‌دادند مردم بر سر مزار عزیزانشان حاضر شوند. پس از آزادی همه با جشن و شادی بر سر مزارها رفتند. یکی از آیین‌های این جشن، رفتن به مزار و خوردن و نوشیدن و شادی است. البته علاوه بر شیرین‌کام شدن، آیین‌های دیگری نیز در این روز برگزار می‌شود، از جمله برگزاری کشتی لوجو بین جوانان و پهلوانان سوادکوه و بندپی در روستای امامزاده حسن آلاشت که مردم مشتاق زیادی را به این ناحیه کوهستانی می‌کشاند. جشن نورگون یا نورگوهون نیز در غروب ۲۱ تیرماه شمسی در روستای نوا و برخی روستاهای دیگر لاریجان برگزار می‌شود. در این مراسم پوته گون (پوته‌ای نیم‌کره و متراکم با گل‌هایی ازغوانی که از آن کتیرا می‌گیرند) آتش زده و با زنجیر گردانیده می‌شود تا علامتی باشد که به مردم دوردست خبر به زنجیر افکندن ضحاک ماردوش را برساند. در روزگار گذشته در این روز غذا، نان و شیرینی‌های خاصی با اشکالی جالب تهیه و بازارهای محلی در نقاط مختلف مازندران برپا می‌شد و مردان به شالیزارها می‌رفتند تا خبر از ساقه کشیدن برنج بیابوند که امروز کمتر این بخش از مراسم برگزار می‌شود.

برخی از مراسم این جشن، شاید یادآور چراغ افروختن و بر سر مزار درگذشتگان رفتن سایر مردمان ایران در پنجشنبه آخر سال باشد. سال طبری دارای دوازده ماه سی‌روزه است و پنج روزه آخر آن اضافه می‌شود و سال کبیسه ندارد. برای همین در هر ۱۲۸ سال، یک ماه از سال شمسی جلو می‌افتد و ماماگردش می‌کند. سال طبری با فردینه ما (فروردین‌ماه) که تقریباً معادل مرداد شمسی است، آغاز می‌شود و با نوزوما (نوروزماه) تقریباً معادل تیرماه شمسی پایان می‌پذیرد. این جشن در گیلان نیز با نام نوزوزیل یا مراسمی مشابه در میانه مرداد شمسی برگزار می‌شود.

در بسیاری از روستاهای کوهپایه‌ای مازندران در منطقه البرز مرکزی به همت دهیاری‌ها و میراث‌فرهنگی این آیین باشکوه که رو به فراموشی می‌رفت، برگزار می‌شود و اسمال نیز به‌دلیل قرار گرفتن بیست‌وششم تیرماه در روز شنبه این آیین کهن در روز جمعه یا پنجشنبه برگزار شد.

اگر احساس تعلق خاطر به طبیعت اطرافشان نداشته باشند و تنها با رویکرد سلیبی دولت مواجه شوند، راهی برای حفاظت پایدار باقی نمی‌ماند.

### زمان بازنگری فراسیده است

با آغاز به کار دولت جدید، برخی امیدها نسبت به تحول در رویکردهای مشارکتی شکل گرفت. همچنین، انتصابات خیلی خوبی در سطح ملی سازمان‌های متولی طبیعت صورت گرفت؛ اما آنچه اهمیت دارد، تغییر در تفکر و ساختار است، نه صرفاً مدیران. به‌علاوه، این تغییرات باید سلسله‌مراتبی در استان‌ها، ساختار ادارات کل و معاونت‌های مختلف نیز تسری پیدا می‌کرد. دفاتر مشارکت استان‌ها و سیاست‌های ادارات کل باید از اجزای برنامه‌های سطحی فاصله بگیرند و به نهادهایی برای تسهیل گفت‌وگو، توانمندسازی جوامع محلی و جلب اعتماد متقابل بدل شوند؛ زیرا حفاظت اگر با مردم نباشد، در برابر مردم خواهد بود.

مشارکت در امر حفاظت با جلسات بی‌خروجی بدست نمی‌آید. چه بخواهیم، چه نخواهیم، در هر ساختاری برخی ذی‌نفع و برخی به حاشیه رانده می‌شوند. اما روندی که در برخی استان‌ها مشاهده می‌شود، تلاش دفاتر مشارکت برای ایجاد ساختار موازی، دور زدن ساختارهای مردمی و فعالین و جایگزینی آنها با گروه‌های وابسته و بی‌اثر، که تنها برای جذب منابع مالی ظاهر می‌شوند، زنگ خطری جدی برای مفهوم مشارکت مردمی است. این اقدامات نه‌تنها به شکاف میان مردم و نهادهای حفاظت دامن می‌زند، بلکه زمینه بی‌اعتمادی و دل‌زدگی فعالان محلی را فراهم می‌آورد. متأسفانه تا انتقادی صورت می‌گیرد، تمامی ارکان ادارات کل و حتی شهرستان بسیج می‌شوند تا انتقادکننده را از صحنه روزگار حذف کنند. گویی فراموش کرده‌اند که فعالین نماینده و برآمده از ساختارهای مردمی هستند. اگر دفاتر مشارکت، به‌جای تسهیلگری، به تصاحب‌کننده صحنه بدل شوند، اگر مشارکت مردمی را در نقش‌های فرعی و تشریفاتی تقلیل دهند و اگر تشکل‌های مطالبه‌گر و منتقد را طرد یا حذف کنند، مشارکت واقعی به امری نمایشی و بی‌اثر تبدیل می‌شود. امروز نیاز است هم نهادهای دولتی جایگاه واقعی تشکل‌ها را به رسمیت بشناسند و هم خود تشکل‌ها نقش همه ذی‌نفعان را، از زنان و جوانان گرفته تا دامداران و کشاورزان، سازمان‌های دولتی و هر کسی که در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا تأثیر می‌پذیرد یا تأثیر می‌گذارد، جدی بگیرند.

از سوی دیگر، نهادهای دولتی باید بپذیرند که مردم و ساختار مردمی تشکل‌ها بازبگیر اصلی‌اند، نه سیاهی‌لشکر برنامه‌ها. هر جا که تشکل‌ها به‌درستی مطالبه‌گری کرده‌اند و نگاه انتقادی به تصمیمات سازمانی داشته‌اند، نباید حذف و تضعیف یا نادیده گرفته شوند. آنچه در برخی مناطق رخ داده، تلاش برای به حاشیه راندن تشکل‌های منتقد از طریق جایگزین‌سازی ساختارهای وابسته به سازمان‌ها است. مشارکت‌های مردمی، همراهی مردم، بدون آگاهی از حقوقشان و بدون سهم‌بردن از مدیریت، مشارکت نیست بلکه ابزاری برای رزومه پر کردن و عملکرد ادارات کل است.

### 🔍 گونه‌ها بی‌صدا شکار می‌شوند

آموزش‌های تکراری تبدیل شده‌اند؛ آموزش‌هایی که اغلب نه مبتنی بر شناخت منطقه‌اند، نه گفت‌وگومحور و نه مشارکت‌آفرین. همراهی مردم، بدون آگاهی از حقوقشان و بدون سهم‌بردن از مدیریت، مشارکت نیست بلکه ابزاری برای رزومه پر کردن و عملکرد ادارات کل است.

**نوبت دوم**

## آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

**همراه با ارزیابی کیفی**

**شرکت آب‌فوق‌آب سیستان و بلوچستان** در نظر دارد به استناد آیین‌نامه معاملات شرکت‌های سهامی آب‌فوق‌آب شهری و استانی و آیین‌نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۳) قانون برگزاری مناقصات، بمنظور انجام خدماتی به شرح ذیل ازین شرکت‌های واحد شرایط و تعیین صلاحیت شده توسط ادارات کل کار و امور اجتماعی و دارای تاییدیه معتبر اجرائی طرح طبقه‌بندی مشاغل اداره کل نظارت بر نظام‌های جبران خدمت وزارت کار و امور اجتماعی جهت مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی دعوت به عمل آید.

**۱- کارفرما:** شرکت آب‌فوق‌آب سیستان و بلوچستان  
**۲- موضوع مناقصه:** انجام خدمات جمعی (فنی، اداری، مالی، مشرتکین، ایبلر و بازگانی، کنترل کیفی، راننده سبک‌سگین، حواصت و انتقاصت ابروور ۱۳۳ و سایر امور)  
**۳- شرایط تعاقب و ریزه شرکت:** شرکت‌های پشتیبانی و خدماتی که نوبتاً مجوز فعالیت در امور تعمیر و نگهداری ساختمان و ماشین‌آلات، خدمات عمومی، حمل‌ونقل و امور پرورداری از تأسیسات را در اختیار می‌باشند (محل‌الرفعه ۶)  
**۴- مدت‌زمان اجرائی کار:** به مدت یک سال پیش‌بینی‌شده است.  
**۵- مبلغ برآورد اولیه:** ۴۴۸۷۸۱۳۳۸۷ ریال (چهارصد و هشت و هشتاد و هفت میلیارد و هفتصد و هشتاد و هفت هزار و سیصد و ششاد و هفت ریال) می‌باشد.  
**۶- مبلغ تضمین شرکت در فرایند رایج کار:** ۱۷۶۰۰۰۰۰۰ (ده میلیارد و هفتصد و هشتاد و هفت میلیون) ریال.  
**۷- تاریخ و مهلت دریافت و بازگاری اسناد مناقصه:**  
 - مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی کیفی از تاریخ ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ لغایت ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ می‌باشد.  
 - تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰

دفتر قرارداد - شرکت آب‌فوق‌آب استان سیستان و بلوچستان

## آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۱۸۲۸

صانع شهید دوران در نظر دارد نسبت به خرید صندلی کارگاهی کانداکتیو مطابق مشخصات فنی موجود از طریق برگزاری مناقصه عمومی کتبی و عقد قرارداد از شرکت‌های دارای توانایی فنی لازم اقدام نماید . واحدهایی که توانایی انجام امور مذکور را دارند می‌توانند ضمن تماس با تلفن‌های ۳۵۷۶۸۳۴۵ و ۳۵۷۶۸۳۴۵ هم‌روزه پنج‌شنبه‌ها و روزهای تعطیل در ساعات اداری بمنظور دریافت برگه شرایط و مشخصات مناقصه به آدرس مشروحه زیر مراجعه و پیشنهاد خود را ظرف مدت حداکثر ده روز پس از تاریخ نشر آگهی در داخل صندوق مناقصه شماره ۱۲۰ این صانع بیاورند، پیشنهادها رسیده در کمیسیون مناقصه باز و نتیجه آن اعلام خواهد شد، سازمان در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادها مختار می‌باشد و هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود، لازم به ذکر است ارائه معرفی‌نامه و گواهی‌نامه سمت مرتبط جهت دریافت اسناد و شرکت در مناقصه الزامی می‌باشد .

**آدرس:** تهران انتهای بزرگراه شهید بابایی – جاده اختصاصی پارچین – صنایع شهید دوران

ششاه آگهی: ۱۹۶۸۰۱۸ - م. الف: ۱۳۸۳

روابط عمومی صنایع شهید دوران

## لزوم کنسرسیوم ارتباطات برای مدیریت سرزمین

آبخیزداری، سازمان امور اراضی، سازمان زمین‌شناسی، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان مدیریت بحران، وزارت نیرو، وزارت نفت، وزارت راه‌وشهرسازی، سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و ... نداشتن تعامل مستمر و مؤثر این نهادها در سطح مدیران روابطعمومی و بی‌توجهی به تهیه پیوست رسانه‌ای و مستندنگاری پروژه‌های پیشران کشور قبل و بعد از افتتاح، باعث نامهاونگی تصمیم‌ها، دوباره‌کاری‌ها و در نهایت عدم انقاع افکار و قضاوت نادرست می‌شود.

**ایجاد کنسرسیوم ارتباطات می‌تواند چند فایده داشته باشد:**

- هم‌افزایی نهادی و رسانه‌ای؛ تشکیل یک کنسرسیوم مشترک در حوزه ارتباطات، امکان هم‌رسانایی پیام‌های رسانه‌ای، هماهنگی در اطلاع‌رسانی عمومی و تقویت صدای واحد در زمان بحران‌ها را فراهم می‌کند.
- فرهنگسازی و آموزش شهروندی؛ بخش مهمی از بحران‌های محیط‌زیستی ریشه در نبود آموزش عمومی و مشارکت مردم دارد. کنسرسیوم می‌تواند با استفاده از ظرفیت رسانه‌های ملی و محلی، اقدام به برنامه‌های آگاهی‌بخش کند.
- مدیریت بهینه منابع و اعتبارات؛ همکاری بین سازمان‌ها به جلوگیری از اتلاف منابع مالی، استانی و اطلاعاتی کمک می‌کند. برنامه‌های مشترک آموزشی، تولید محتوا و کمپین‌های رسانه‌ای با هزینه کمتر و اثر بخشی بالاتر قابل‌اجرا است.
- تمرین کار گروهی و توسعه فردی؛ همکاری میان



محسن نقیولو | کارشناس روابط عمومی |

ایران به‌عنوان کشوری با تنوع اقلیمی، زیستی و زمین‌شناسی، همواره با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه مدیریت یکپارچه حوضه آبخیز مواجه بوده است. از فرسایش خاک، تخریب جنگل و مرتع، انقراض حیات‌وحش، خشک شدن تالاب‌ها و تغییر کاربری اراضی گرفته تا نامهاونگی سازمان‌های مسئول و ضعف ارتباطات بین‌دستگاهی، همگی باعث شده‌اند «مدیریت سرزمین» در ایران به موضوعی راهبردی و ضروری تبدیل شود. در این میان، یکی از گام‌های مهم و مغفول‌مانده، ایجاد یک کنسرسیوم ارتباطات مدیریت سرزمین با مشارکت همه نهادهای متولی است. کنسرسیومی که نه‌تنها به هم‌افزایی در سیاست‌گذاری کمک می‌کند، بلکه با تدوین راهبردهای ارتباطی مشترک، زمینه‌ساز فرهنگسازی، آموزش شهروندی و مدیریت بهتر بحران‌ها می‌شود. در ایران مسئولیت مستقیم و غیرمستقیم مدیریت سرزمین برعهده نهادهای متعددی است که هرکدام نقش و ظرفیت خاص خود را دارند. از جمله: وزارت جهادکشاورزی، اتاق بازرگانی و کشاورزی، سازمان هواشناسی، سازمان جغرافیایی، سازمان منابع طبیعی و



عضو اندیشکده تدبیر آب در گفت‌وگو با «پیام‌ما» عنوان کرد

# هشدار برای طبقاتی شدن آب

**اگر آب می‌خواهید باید حداقل بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه کنید**

**برآورد می‌شود ظرفیت بازار پمپ و مخزن، فقط در تهران عددی بین ۵ تا ۱۰ هزار میلیارد تومان باشد**



| دنیال شایگان - آکویان |

|

**گزارش‌های مردمی رسیده به «پیام‌ما» و سایر رسانه‌ها نشان می‌دهد پایتخت‌نشینان و البته شهرک‌های حومه تهران، هفته گذشته با قطع طولانی آب روبه‌رو بوده‌اند. موضوعی که بلافاصله از سوی شرکت آب‌وفاضلاب تکذیب و اعلام شد که فقط «افت فشار» به شبکه اعمال شده است. با وجود این تکذیب‌ها اما یک روز قبل مدیرعامل آب‌وفاضلاب تهران، اعلام کرده است مردم باید به فکر خرید «تانکر» و «مخزن آب» باشند. خبری که روایت از خبری دیگر دارد: «اوضاع دسترسی به آب در تهران وخیم‌تر خواهد شد.» حالا این خیابان سعدی تهران است که به مشتری‌هایش اضافه شده است و فروشندگان پمپ، تانکر و ادوات مربوط به آنها در این خیابان فروش بیشتری دارند. خیلی دورتر از خیابان سعدی، در گوشه‌وکنار کنسور، تبلیغات گسترده در مورد کمبود آب، سودای انتقال آب دریا و بین‌حوضه‌ای را افزایش داده است. «سیاست‌های دولت می‌تواند تحت‌تأثیر این اقتصاد سیاسی آب قرار بگیرد.» این را «سعید سلیمانی‌ها»، کارشناس آب و «اندیشکده تدبیر آب»، می‌گوید و هشدار می‌دهد: «همین سیاست‌ها می‌تواند درنهایت منجر به طبقاتی شدن آب و برق شود.»**

برای ایجاد و کنترل زمان بندی‌های فعالیتهای پروژه ( چه میزان است، البته رویکرد مدیریت فشار رابطه مستقیم با نشت از شبکه دارد؛ یعنی هدررفت از شبکه را کاهش می‌دهد؛ روی کاهش هزینه استهلاک و نگهداری هم مؤثر است. ناهمانگنی بین سیاست‌های آب و برق، فقط مربوط به این بخش نیست. این تضاد را در مورد نصب نیروگاه‌های خورشیدی در بخش کشاورزی هم می‌بینیم که به کشاورز می‌گوید اگر به‌اندازه ۸۰ درصد مصرف، نیروگاه خورشیدی نصب کنید، مشمول خاموشی پنج‌ساعته چاه آب نخواهید شد؛ یعنی اگر برق را تأمین کنید، می‌توانید مانند گذشته آب برداشت کنید. هم‌زمان بخش این مطالعه‌ای داشت در مورد آب‌فا هم خواهیم دید این تذکر وجود دارد که «سیاست مدیریت فشار تا زمانی مؤثر است که باعث نارضایتی مصرف‌کننده نشود و مصرف‌کننده را به‌سمت پمپ و مخزن سوق هد. استفاده از پمپ و مخزن اثر منفی بر این احساس که آب کم است، می‌گذارد. درصورت آب‌فا هم خواهیم دید این ادوات، کنترل و مدیریت مصرف از دست شرکت آب‌وفاضلاب خارج می‌شود.» از نیمه دهه ۹۰ بسیاری از ساختمان‌های بلندمرتبه از مخزن و پمپ استفاده می‌کنند و بسیاری از پمپ‌ها مستقیم به شبکه وصل است.

**این سیاست تا چه زمانی قابل‌اجراست؟ استفاده از پمپ و مخزن با سیاست‌های کاهش مصرف برق وزارت نیرو، در اوج ناترازی برق تضاد ندارد؟**
سیاست مدیریت فشار، نهایتاً در یک دهه جوابگوست. هدفش هم ایجاد یک بازه زمانی برای توسعه شبکه است. بنابراین، نمی‌توان همیشه از آن استفاده کرد. وقتی تمام ساختمان‌ها و مصرف‌کنندگان به سیستم پمپ و مخزن مجهز شده‌اند، عملاً سیاست مدیریت فشار قابل‌اجرا نیست. می‌توانیم بگوییم از یک‌دهه گذشته این سیاست به یک رویه دائمی تبدیل شده است. موضوع این است که خط‌ریکتیال (الگوریتمی

را آب و برق طبقاتی می‌گذارم، مانند اینترنت طبقاتی. اما در مورد موضوع اجتماعی، در بدنه آب کشور به‌ویژه مجموعه آب‌وفاضلاب از سایر بخش‌های آب، هم دانش بیشتری دارند و هم توانمندتر هستند. دانش بسیار زیادی هم در مورد امور اجتماعی دارند. این شرکت طرح‌های پایلوتی داشته است تا بداند مدیریت فشار تا چه اندازه اعمال شود، موجب نارضایتی می‌شود و این افزایش نارضایتی باعث می‌شود بخشی از مردم به‌سمت خرید پمپ و مخزن بروند. اگر فردا این خبر مطرح شود که شرکت آب‌وفاضلاب نوعی از این داغ شدن بازار پمپ و مخزن منتفع شده است، چه مستقیم و چه غیرمستقیم من تعجب نمی‌کنم؛ چون هم تمایل از بحث مادی وجود دارد و هم دانشش وجود دارد. ادعا نمی‌کنم چنین چیزی وجود دارد، اما هشدار می‌دهم که اگر ایجاد شود، در راستای بحث تأمین مالی و انداختن بر بار دوش مردم، امکان‌پذیر است. آب‌فا حتی می‌داند بازار پمپ و مخزن چه میزان ظرفیت دارد. حتی این را هم پایش کرده‌اند که اگر در بازه زمانی چندروزه فشار آب کم شود، رفتار مردم در مورد مصرف چگونه تغییر می‌کند یا اگر پمپ و مخزن نصب کنیم، در رفتار مردم چه تغییری ایجاد می‌کند. به‌دلیل وجود این مطالعات شرکت آب‌فا، توصیه به استفاده از پمپ و مخزن انتظار می‌رفت. الان برای من بسیار سؤال‌برانگیز است که چرا با وجود همه این آگاهی‌ها و سنجش‌های اجتماعی رئیس آب‌وفاضلاب تهران توصیه به استفاده از این تجهیزات کرده است؟ چراکه مطالعات آب‌وفاضلاب می‌گوید اینها موجب افزایش مصرف می‌شود.

در این سیاست دو موضوع مطرح است: یکی کارایی و دیگری اثربخشی. با این شرایط کارآمدی این طرح زیر سؤال است. ما تا کی می‌توانیم روی این سیاست حساب کنیم؟ در شرایط فعلی شهر تهران، اینکه می‌گویند این کار به‌دلیل کمبود آب انجام می‌شود، زیر سؤال است. وقتی قرار است بر مصرف اثر افزایشی داشته باشد، چگونه قرار است برای خشکسالی مورد استفاده قرار گیرد؟ در مورد بحث اثربخشی هم فقط در خود شهر تهران، فروش پمپ و مخزن، بازار چندهزار میلیارد تومانی دارد. می‌توانید عددی بین ۵ تا ۱۰ هزار میلیارد تومان به‌صورت حداقلی فرض کنید. این اعداد در این شرایط اقتصادی قابل‌توجه است.

**در شرایط فعلی چاره چیست؟**

نکته نخست اینکه وزارت نیرو درباره مواردی مانند خشکسالی، کاهش بارندگی یا مانند آن موضع مشخصی ندارد. اگر کشور درگیر خشکسالی پنج‌ساله بوده است، مدیریت دارد و مدیریت خشکسالی هم تعریف دارد و اگر باور دارید به این موضوع، در این چهارسال گذشته چه سیاست‌هایی برای کم‌کردن مصرف اعمال کرده‌اید؟ مثلاً سیاست جلوگیری از کاشت یا محدودکردن دسترسی برای مصارف کشاورزی را باید اعمال می‌کردید. البته این سیاست‌ها هزینه‌زا هستند. اگر به کشاورزی بگویید فلان محصول را کشت نکن، آن زمان باید بیمه جبران خسارت بپردازد. طبعاً در این شرایط اقتصادی، دولت ترجیح می‌دهد سکوت کند. من فکر می‌کنم لفظ خشکسالی توجیحی برای نارضایتی است که الان در آن قرار گرفته‌ایم. اما شما هیچ مدیریتی نمی‌بینید. جیره‌بندی در بحث مدیریت خشکسالی آخرین مرحله است؛ یعنی زمانی که همه اقدامات را انجام داده و مصرف را در همه بخش‌ها محدود کرده باشند. به‌عنوان مثال، در بحث شهری مصرف آب برای فضای سبز کاهش داده شود، استخرها تعطیل شود؛ همه راه‌ها را رفته باشند. با همه این اقدامات به شهروندان القا می‌کنند که محدودیت داریم و باید مصرف خودتان را کاهش دهید. اما هیچ‌کدام را انجام نمی‌دهند، یکباره به شهروند می‌گویند خشکسالی بخش افزایش قیمت آب تا حدود ۷۰ درصد را هم داشتیم. یا مسئله قبض‌های نجومی که این اواخر مطرح شد. تصور من این است که الان رقع بحران منابع مالی برای آب‌وفاضلاب، بیشتر در اولویت است تا موضوع مدیریت صحیح آب. به‌رهر شکلی دنبال این هستند که تأمین مالی کنند.

نکته دیگری را هم قید کنید. وقتی برق قطع می‌شود، آب هم قطع می‌شود. اینجا وزیر نیرو توصیه به نصب نیروگاه‌های کوچک‌مقیاس خانگی کرد. برای هر خانوار، هر ساختمان نه که هر واحد مسکونی، یک کوچک‌مقیاس‌ها بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون هزینه دارد. اصطلاحی وزیر نیرو به‌کار برد و گفت: «چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن»، درحالی‌که من فکر می‌کنم درستش این بود «چو دخلت نیست، دست خانوار، هر ساختمان کن». همه این سیاست‌ها باعث افزایش نابرابری می‌شود. یعنی اگر پول داری تجهیزات و امکانات بخرو برق و آب داشته باش. این سیاست‌ها در تضاد کامل با توزیع عادلانه و دسترسی به آب و برق است. عملاً بار مسئولیت بحران زیرساختی بر دوش مردم افتاده است. من اسام این

خبر

## ذخایر آب تهران در پایین‌ترین وضعیت قرن اخیر قرار دارد



طبق اعلام شرکت آب‌فای استان تهران هم‌اکنون ذخایر موجود در سدهای تأمین‌کننده آب تهران در پایین‌ترین وضعیت خود در یک قرن اخیر قرار دارد. وضعیت آب‌فای استان تهران آمده است: «خشکسالی‌های پنج سال اخیر و کاهش بارش‌های استان تهران در سال آبی جاری که در ۶۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده، به‌شدت منابع آبی تهران را تحت‌تأثیر قرار داده است.

هم‌اکنون ذخایر موجود در سدهای تأمین‌کننده آب تهران در پایین‌ترین وضعیت خود در یک قرن اخیر قرار دارد. برای جبران محدودیت‌های ناشی از افت فشار، به مشترکانی که فاقد مخزن و پمپ و در مجتمع‌های مسکونی چندطبقه ساکن هستند، توصیه می‌شود نسبت به نصب مخزن و بعد از آن پمپ در طبقه همکف و یا طبقات زیرزمین اقدام کنند.»انتخاب

## مشکل قطع آب اردبیل رفع شد

مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب استان اردبیل اعلام کرد: «در استان اردبیل قصد جیره‌بندی آب را نداریم و مشکل قطعی‌های اخیر برطرف شده است.»

«مسعود خوجرو» گفت: «هرچند مصرف آب در استان اردبیل به‌ویژه در مرکز این استان بالاست، ولی همکاران ما تلاش می‌کنند توزیع منابع آب در نقاط مختلف شهر انجام شود و با تأمین ذخایر کسری و نارسایی احتمالی برطرف شود. میزان مصرف آب شرب در استان اردبیل ماهانه بیش از چهار میلیون مترمکعب برآورد شده و ما از طریق ذخایر پشت سدها و همچنین، چاه‌های داخل شهر اردبیل منابع آبی را مدیریت می‌کنیم که امیدواریم با رعایت الگوهای مصرف درست و صرفه‌جویی مشترکان وضعیت بهتری را در تأمین منابع آبی شاهد باشیم.»

او گفت: «به‌دنبال خشکسالی‌های سال‌های اخیر و کمبود ذخایر آب در پشت سدها انتظار می‌رود در گذر از تابستان گرم شرایط مصرف محتاطانه را منظر قرار دهیم؛ چراکه در حال حاضر وضعیت منابع آب پشت سدها به حداقل رسیده و باید در پایداری شبکه تلاش مضاعفی را انجام دهیم. با تأکید وزیر نیرو شناسایی مشترکان بدمصرف و پرمصرف آب یکی از است که ما نیز در استان شناسایی این مشترکان را در کنار معرفی مشترکان دارای انشعابات غیرمجاز در مراحل اجرایی قرار دادیم تا از میزان مصرف روزانه که گاه با آمار بالاتری نیز از حد نرمال می‌رسد جلوگیری کنیم.»

او همچنین در مورد تأمین آب مناطق محروم و روستایی نیز بیان کرد: «آبرسانی به ۴۵۴ روستای استان با قرارداد ۴۷۶ میلیارد تومان با همکاری بسیج سازندگی در حال اجراست که تعدادی از این پروژه‌ها به بهره‌برداری رسیده و تعدادی نیز اسمال به این چرخه افزوده می‌شود. با بهره‌برداری از مجتمع‌های بزرگ آبرسانی تلاش آب‌وفاضلاب استان بر رفع محرومیت آبی مناطق روستایی است تا شرایط پایدار تأمین منابع آب را شاهد باشیم.»



برخورداری از برجسب انرژی مناسب، نقش مؤثری در کاهش مصرف برق دارند.

خاموش کردن وسایل برقی زمانی‌که به آنها نیازی نیست، استفاده به‌اندازه از تجهیزات پرمصرف مانند لباسشویی، ظرفشویی، مایکروفر، اتو و سشوار و نیز استفاده از وسایل با برجسب انرژی مناسب از جمله راهکارهای مؤثر در مدیریت مصرف برق هستند. همچنین، تنظیم کولر گازی روی دمای ۲۴ درجه و سرویس به‌موقع وسایل سرمایشی، می‌تواند کاهش مصرفی ۲۰ تا ۳۰ درصدی را به‌همراه داشته باشد.

با توجه به اهمیت پایداری شبکه برق و شعار سال، مدیریت مصرف برق و رعایت الگوی تعیین‌شده، نیازمند مشارکت جدی مردم است. با همکاری مشترکان و تلاش صنعت برق، می‌توان به پایداری و توزیع مطلوب‌تر این منبع حیاتی دست یافت.اِیستا





عکس نوشت

عکاس: عرفان کوچاری - تسنیم



مرکز «آنست» (آموزش و نگهداری سگ‌های تجسس و زنده‌یاب) محمدشهر کرج از مهمترین مراکز این امر در جمعیت هلال احمر است. این سگ‌ها در جنگ دوازده‌روزه، در عملیات‌های مختلف توانسته بودند تعدادی از مردم را که در زیر آوار مانده بودند، زنده‌یابی و همچنین در پیدا کردن اجساد به نیروهای هلال احمر کمک کنند.

ادبیات

طرح «نشاندن کردن مالیات»  
 برای تکمیل کتابخانه مرکزی اراک

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان مرکزی، طرح «نشاندن کردن مالیات» را گامی مؤثر در توسعه زیرساخت‌های فرهنگی معرفی کرد. «علی گودرزی‌زاده» با تأکید بر نقش این طرح در شفاف‌سازی و تخصیص هدفمند منابع مالیاتی، گفت این طرح می‌تواند به تکمیل پروژه کتابخانه مرکزی اراک، بزرگترین کتابخانه در حال ساخت کشور، کمک کند. او خواستار اطلاع‌رسانی گسترده به اصناف و مشارکت فعال مؤدیان مالیاتی شد تا آنان علاوه بر پرداخت مالیات، شریک توسعه فرهنگی باشند. ایسا



تجسمی

صدور مجوز خروج از کشور  
 برای ۱۹۱ اثر هنری

اداره‌کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد در سه‌ماهه نخست ۱۴۰۴ برای ۱۹۱ اثر هنری مجوز خروج از کشور صادر کرد و ثبت مالکیت معنوی ۱۱۴ اثر را انجام داد. در این مدت، ۱۳۳ نمایشگاه هنرهای تجسمی در تهران برگزار شد، ۱۲ نگارخانه مجوز فعالیت خود را تمدید کردند و یک نگارخانه جدید تأسیس شد. همچنین، ۴۶ هنرمند جدید به صندوق اعتباری هنر پیوستند و ۱۴۷ هنرمند عضویت خود را تمدید کردند.



گزارش

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی نقش مدارس در فقر زدایی را بررسی کرده است

آموزش، سرمایه‌ای برای عبور از فقر



ایبام ما! آموزش به‌عنوان کلید رهایی از چرخه فقر شناخته می‌شود، اما دستیابی به عدالت آموزشی و کیفیت یادگیری برای کودکان فقیر همواره با چالش‌های عمیقی همراه بوده است. باین‌حال، دسترسی به آموزش باکیفیت برای کودکان خانوادگی کم‌درآمد، به‌ویژه در مناطق محروم، همواره با موانع ساختاری و فرهنگی متعددی روبه‌رو بوده است. مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «فقر زدایی مدرسه‌محور» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان از مدارس به‌عنوان پایگاه‌های اجتماعی برای شناسایی، حمایت و توانمندسازی کودکان فقیر و خانوادگی آنان استفاده کرد؛ آن‌هم در شرایطی که روند خط فقر در سال‌های پایان دهه ۹۰ در ایران شیب بیشتری گرفته و در حال حاضر حدود یک‌سوم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند.

است به همین دلیل دولت‌ها برای رهایی از فقر در آینده، بهتر است که در حال حاضر روی آموزش کودکان سرمایه‌گذاری کنند: «این در شرایطی است که در رابطه‌های متقابل، افراد فقیر امکان دسترسی کمتری به آموزش، به‌ویژه آموزش باکیفیت، دارند و به همین دلیل نمی‌توانند از فقر رها شوند و آموزش را به‌عنوان راهی برای نجات خود به‌کار گیرند.»

طبق آخرین گزارش پیش‌فرض مرکز پژوهش‌های مجلس، روند خط فقر در سال‌های پایان دهه ۹۰ شیب بیشتری گرفته است و در حال حاضر حدود یک‌سوم جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند: «افزایش شکاف طبقاتی و محرومیت نسبی می‌تواند منجر به بروز نارسایی‌ها و ناآرامی‌هایی در میان طبقه فرودست شود و ازسوی دیگر، آسیب‌های اجتماعی فراوانی را به‌دنبال بیاورد.

مطالعات نشان می‌دهند مقوله رفاه و تأمین اجتماعی به‌خصوص در کشورهای درحال توسعه همچون ایران، از وظایف اصلی دولت‌ها برای دستیابی به رشد و توسعه محسوب می‌شود. از میان حوزه‌های مختلف مؤثر بر وضعیت فقر و نابرابری، مطالعات بسیاری بر نقش کلیدی آموزش و نظام آموزشی در کاهش فقر و به‌خصوص جلوگیری از بین‌نسلی شدن فقر تأکید می‌کنند: «با توجه به این دیدگاه، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مدرسه به‌عنوان مرکز کانون محله در نظر گرفته شده است و تحقق نقش محوری مدرسه هم‌زمان و در ارتباط با سایر نهادهای محله مانند مساجد و... به‌عنوان یکی از اهداف عملیاتی سند تحول بند (۷) آمده است.»

نویسندگان به این موضوع اشاره می‌کنند ایران دارای بیش از ۱۰۵ هزار مدرسه است و این گستردگی نهادی ظرفیت مهمی برای سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای از جمله فقر زدایی است.

**آموزش می‌تواند ۱۷۱ میلیون نفر را از فقر شدید نجات دهد**

پژوهش «فقر زدایی مدرسه‌محور» اشاره می‌کند آموزش، اغلب به‌عنوان یک عامل برابری‌ساز بزرگ شناخته می‌شود؛ زیرا می‌تواند دری را به روی مشاغل، منابع و مهارت‌هایی باز کند که به فرد کمک می‌کند پیشرفت کند: «درواقع، طبق گزارش یونسکو، اگر همه دانش‌آموزان در کشورهای کم‌درآمد فقط مهارت‌های اولیه خواندن را داشته باشند و نه هیچ چیز دیگری، حدود ۱۷۱ میلیون نفر می‌توانند از فقر شدید نجات پیدا کنند. اگر همه بزرگسالان تحصیلات متوسطه را تکمیل کنند، می‌توانیم نرخ فقر جهانی را به بیش از نصف کاهش دهیم.»

**کلی‌نامه موفق کلمبیا با پارانه‌های نقدی مشروط**

یکی از مطالعات موردی درباره کلمبیا انجام شده است. برنامه CCT در کلمبیا یکی از نمونه‌های برجسته در سطح جهانی به‌شمار می‌رود. این برنامه که ابتدا در سال ۲۰۰۱ آغاز شد، شامل پرداخت نقدی به خانوادگی فقیر دارای فرزند بود، مشروط به انجام معاینات بهداشتی برای کودکان زیر هفت سال و حضور ۸۰ درصدی در مدرسه. اثرات مثبت آن بر ثبت‌نام در مدارس، به‌ویژه در مقاطع متوسطه و مناطق روستایی، چشمگیر بود. مثلاً حضور نوجوانان روستایی در مدارس ۱۷.۵ درصد و در مناطق شهری ۷.۸ درصد افزایش یافت. همچنین، در کودکان ۸ تا ۱۱ سال نیز به‌ترتیب در شهرها ۳.۴ و در روستاها ۶.۱ درصد رشد ثبت‌نام مشاهده شد.

با گذشت زمان، این برنامه بهبود یافت و در سه فاز گسترش پیدا کرد. در فاز نخست، شهرهای کوچک تحت پوشش قرار گرفتند و پارانه‌ها به تکنیک مقاطع تحصیلی تعیین شدند. در فاز دوم (۲۰۰۷)، شهرهای بزرگ نیز وارد برنامه شدند و پارانه آموزش ابتدایی برای مناطق شهری حذف شد، چراکه ارزیابی‌ها نشان داد اثر چشمگیری بر ثبت‌نام ابتدایی در این مناطق نداشته است. در عوض، مبلغ پارانه تغذیه برای کودکان افزایش یافت و ساختار پرداخت‌ها به‌گونه‌ای طراحی شد که با هر پایه تحصیلی افزایش یابد تا انگیزه ادامه تحصیل در دبیرستان‌ها تقویت شود.

در فاز سوم که از سال ۲۰۱۲ آغاز شد و نسخه فعلی برنامه محسوب می‌شود، پرداخت‌ها با توجه به شرایط منطقه‌ای تنظیم شده‌اند و خانوادگی که در مناطق فقیرتر زندگی می‌کنند، پارانه بیشتری دریافت می‌کنند. همچنین، تمام کودکان در سن

**استفاده از پارانه‌های نقدی مشروط (CCT)**  
 برنامه‌های پارانه نقدی مشروط (CCT) در

مدرسه مشمول پارانه تحصیلی شده‌اند و حتی کودکان پنج‌ساله در صورت ثبت‌نام در پیش‌دبستانی نیز از این مزایا بهره‌مند می‌شوند. به‌طورکلی، تجربه کلمبیا نشان می‌دهد طراحی دقیق و تدریجی، هدف‌گیری گروه‌های آسیب‌پذیر و هماهنگی با سایر سیاست‌های اجتماعی می‌تواند منجر به موفقیت قابل‌توجه در ارتقای دسترسی آموزشی و بهبود زندگی گروه‌های فقیر جامعه شود.

**کتاب‌شبه‌های فقر زدایی در مدارس**

نویسندگان به سه شیوه فقر زدایی مدرسه‌محور اشاره می‌کنند که «برنامه‌های حمایت مشروط از خاتوار کودک» یکی از آنهاست: «این برنامه‌ها معمولاً پول نقد به خانواده کودکان پرداخت می‌کنند، در صورتی که آنها برخی شروط مانند حضور کودک در کلاس درس یا بررسی سلامت کودک به‌صورت منظم را انجام دهند.»

«تبدیل مدارس با فقر بالا به مدارس با عملکرد بالا از طریق ارتقا و بهبود کیفیت آموزش در مدرسه» یکی از موارد دیگر است: «این برنامه به‌جای آنکه بر حضور صرف کودکان در مدرسه متمرکز باشد، بر بهبود کیفیت آموزش کودک و بهبود وضعیت کودکان فقیر و حتی خانوادگی‌شان در ابعاد گوناگون تأکید دارد. در این برنامه از روش‌های گوناگون برای بهبود وضعیت آموزشی کودکان فقیر و بهبود شرایط خانواده آنها استفاده می‌شود. مورد سومی که نویسندگان به آن می‌پردازند، «برنامه بالاسخی» است که در مؤسسه «پریتام» در هند انجام می‌شود: «در برنامه بالاسخی در هر کلاس درس، بیست دانش‌آموزی که به بیشترین کمک‌درسی نیاز دارند، شناسایی می‌شوند و آنها را نزد بالاسخی، زن جوانی از محله، می‌فرستند تا در درس‌هایی که ضعیف هستند، به آنها کمک کند.»

نویسندگان نتیجه‌گیری کرده‌اند اهمیت آموزش کودکان خانوادگی فقیر و حاشیه‌ای مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا آموزش باکیفیت می‌تواند آنان را از فقر نجات دهد و به مبارزه موفق با فقر در جامعه کمک کند. معمولاً حمایت‌های اجتماعی شامل خدماتی مانند حضور کودکان در مدرسه و ارائه خدمات سلامت و تغذیه است، اما صرف این حمایت‌ها کافی نیست و باید آموزش مهارت‌های ویژه با کیفیت در کنار آنها ارائه شود. کشورهای مختلف راه‌حل‌های متعددی برای رفع ضعف آموزشی کودکان فقیر به‌کار گرفته‌اند، از جمله حمایت مشروط از آموزش، ارتباط نزدیک با خانواده‌ها و فعالیت‌های متنوع تلاش می‌کنند. کیفیت آموزش کودکان فقیر را ارتقا دهند. بنابراین، برای انتخاب روش‌های آموزشی مناسب در ایران، لازم است وضعیت فقر و رابطه آن با آموزش بررسی شود و عملکرد روش‌های پیشین و نوین به‌دقت ارزیابی شود تا نقاط ضعف رفع و روش‌های کارآمد توسعه یابند.